

چکیده

زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک ملت بزرگ ایران اسلامی از جایگاهی رفیع و اهمیتی بسزا برخوردار است. یکی از مواردی که می‌تواند به گسترش و توسعه این زبان در سطح ملی و بین‌المللی کمک شایانی کند، طراحی برنامه‌های درسی مناسب در نهادهای مسئول از جمله وزارت آموزش و پرورش است. با نظر داشتن این واقعیت که سند برنامه درسی ملی، به‌عنوان نقشه راه و تحقق بخش اهداف کلان تعیین شده در اسناد فرادستی تری همچون نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، توسط این وزارت‌خانه در حال نهایی شدن است، به نظر می‌رسد که این برنامه بتواند تأثیری درخور توجه بر آموزش زبان فارسی، چه به‌عنوان زبان اول در داخل کشور و چه به‌عنوان زبان خارجی در خارج از میهن اسلامی‌مان، داشته باشد. لذا توجه به این مهم باید سرلوحه کار دست‌اندرکاران این برنامه قرار گیرد. مقاله حاضر بر آن است تا به بررسی جایگاه آموزش زبان فارسی در برنامه درسی ملی بپردازد و ضمن کاوش در مزایا و معایب این برنامه در بخش مذکور، راهکارهایی اجرایی به منظور تحقق بهتر اهداف تعیین شده در این حوزه ارائه کند. بررسی‌های انجام گرفته نشان داد که در این برنامه به زبان فارسی به‌عنوان زبان اول حتی نسبت به وضعیت موجود توجه کافی شده اما آموزش این زبان به غیرفارسی‌زبانان (چه به مثابه زبان دوم و یا زبان خارجی) مورد عنایت قرار نگرفته است.

کلید واژه‌ها:

آموزش زبان فارسی، سند برنامه درسی ملی، وزارت آموزش و پرورش، تحول در نظام تعلیم و تربیت.

مقدمه

سند برنامه درسی ملی نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران، تعیین و تبیین می‌کند. تولید و تدوین «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، طرح جامع تحول بنیادین برنامه درسی و تربیتی» از اسفندماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح آغاز شد، پس از پژوهش‌ها و مطالعات اولیه و ابلاغ مصوبه هفتصد و چهل و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ۱۳۸۶ ادامه یافت و با تشکیل کمیته‌های تخصصی، استانی و ستادی به کار خود قوت بخشید. هم‌زمان نیز شش پژوهش مختلف در زمینه‌هایی مانند مطالعات تطبیقی، مبانی جامعه‌شناختی و مبنای روان‌شناختی به انجام رسید. پس از جلسات متعدد و مطالعات گسترده، نخستین نگاشت برنامه در بهمن‌ماه ۱۳۸۷ تدوین شد و توسط متخصصان مربوط مورد بررسی‌های لازم قرار گرفت. تولید برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملی و بهره‌گیری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه پویای ایران اسلامی، الگوی تازه‌ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد و گامی مهم در جهت مستندسازی و کیفیت‌بخشی به نظام تعلیم و تربیت کشور است.

جایگاه زبان فارسی در سند برنامه درسی ملی

دکتر سید بهنام علوی مقدم
عضو شورای نویسندگان مجله

رضا خیر آبادی
دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

اهداف تولید این برنامه عبارت‌اند از: تعیین رویکرد و اهداف برنامه درسی در سطح نظام آموزشی، دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های یادگیری؛ تعیین منطق، جهت‌گیری‌ها و ابعاد حوزه‌های یادگیری؛ تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایندهای طراحی و تدوین برنامه درسی؛ تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایندهای اجرای برنامه درسی؛ تعیین اصول و سیاست‌های ناظر بر مواد و منابع آموزشی؛ تعیین ساختار، اصول و فرایندهای ارزیابی و اصلاح برنامه درسی و بالاخره، تعیین و تبیین نظام برنامه‌ریزی درسی کشور. پژوهش حاضر براساس نگاشت پنجم این برنامه انجام گرفته که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ منتشر شده است.

۱. بحث و بررسی

همان‌طور که می‌دانیم، گرچه زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران در همه نقاط کشور عزیزمان در جایگاه زبان اول فرا گرفته می‌شود، در برخی از مناطق نیز زبان دوم گویشوران به‌شمار می‌آید. زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران نیز به‌جز چند کشوری که به این زبان سخن می‌گویند، زبان خارجی محسوب می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی در جهت آموزش بهتر و مؤثرتر زبان فارسی در هر یک از این موقعیت‌ها و تدوین برنامه‌های درسی هدفمند و متناسب با نیازهای هر یک از این بخش‌ها از ضروریات امر به حساب می‌آید. یکی از حوزه‌های یادگیری مهم در برنامه درسی ملی «حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی» است. این حوزه بنا بر ادعای برنامه، شامل دو بخش زبان و ادبیات است. زبان‌فرآیندی آغازشونده از درک و دریافت سخن است و به تولید کلام معنادار منجر می‌شود. ادبیات نیز تولیدی مرکب و چند سطحی از سطوح مختلف زبانی و نیز جنبه هنری زبان است. این برنامه، زبان و ادبیات فارسی را رمز هویت ملی برمی‌شمارد و آن را سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و پیوند گذشته و حال و آینده می‌داند.

زبان‌آموزان در این حوزه با نظام زبان به‌صورت روشمند و علمی آشنا می‌شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش را کسب می‌کنند. از آنجا که زبان بنیاد ارتباط انسان با دیگران است، آموزش آن بستر مناسبی برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی متریبان در قالب‌های مختلف زبانی فراهم می‌آورد. این آموزش شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان است. این برنامه بر کاربردهای مختلف زبان از جمله ارتباط با دیگران، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، حفظ آداب و رسوم قومی و محلی و... تأکید دارد. این برنامه قلمرو حوزه مزبور را چهار مهارت زبانی و مهارت‌های فرازبانی (تفکر و نقد و تحلیل) و چگونگی کاربست آنها و نیز ادبیات فارسی برمی‌شمرد. رویکرد آموزش زبان و ادبیات فارسی، رویکرد ارتباطی است و بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی

تأکید دارد. در دوره ابتدایی، تأکید بیشتر بر کارکرد ارتباطی زبان و در مراحل بالاتر کارکرد هنری زبان (ادبیات) است. ارتباط این حوزه با دیگر حوزه‌های این برنامه مانند حوزه‌های یادگیری فرهنگ و علوم، علوم انسانی و آداب و مهارت‌های زندگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران، در نظام جدید آموزشی نظام شش-شش [سه-سه] مطرح است. به این ترتیب که در دوره ابتدایی شاهد ۶ پایه و در دوره متوسطه عمومی نیز شاهد ۶ پایه دیگر خواهیم بود. علاوه بر این ۱۲ پایه، دوره پیش‌دبستان نیز برای دوران پیش از دبستان پیش‌بینی شده است. اهداف تفصیلی فعالیت‌های پایه‌های مختلف تحصیلی به شرح زیر در برنامه درسی مورد بررسی آمده است:

دوره پیش‌دبستانی:

- به سخن دیگران گوش می‌دهد و مقصود آنها را درک می‌کند.

- با واژگان پایه و اساسی زبان فارسی آشناست.

دوره ابتدایی:

- کسب مهارت‌های زبانی (نوشتن و خواندن، صحبت کردن و شنیدن)

دوره اول متوسطه (هفتم تا نهم):

- شناخت زبان و ادبیات فارسی

دوره دوم متوسطه (دهم تا دوازدهم)

- شناخت زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ دینی، بومی و ملی

- کسب مهارت‌های زبانی.

اهداف مورد نظر که در بالا ذکر شده‌اند، اهداف مناسبی هستند اما به‌نظر می‌رسد که از نظر علم زبان‌شناسی و آموزش زبان شرایط لازم و کافی را نداشته باشند. برای مثال، در دوره پیش‌دبستانی آیا ارتباط و سخن گفتن به‌عنوان یک مهارت مهم زبانی نباید مد نظر قرار گیرد؟ همچنین دانش آموز این دوره، چگونه با واژگان پایه زبان فارسی آشناست، در حالی که در برخی از مناطق دو زبانه و سه زبانه کشورمان، به‌خصوص در مناطق محروم روستایی، افراد با ابتدایی‌ترین واژه‌های پایه زبان فارسی، به‌عنوان زبان دوم، آشنایی ندارند. باتوجه به اهمیت این دوره پیش‌دبستانی باید برای آنها تمهیداتی اندیشیده شود که دانش‌آموزان مناطق دو و چند زبانه حداقل‌های زبانی زبان فارسی را بیاموزند. در این صورت، مرحله، ورود به مدرسه با مشکلات عدیده مواجه نخواهند بود و می‌توانند همچون دانش‌آموزان یک زبانه فارسی از پیشرفت‌های آموزشی لازم برخوردار باشند؛ چراکه لازمه یادگیری درس‌های دیگر از جمله علوم و ریاضی آشنایی کافی با زبان مورد استفاده در این کتاب‌های درسی است و در صورت ضعف در زبان مورد استفاده در آنها (فارسی) آموزش به این دانش‌آموزان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

در دوره ابتدایی نیز بر چهار مهارت زبانی تأکید شده و مسئله اصلی رعایت ترتیب یادگیری این مهارت‌هاست. بهتر است

به‌نظر می‌رسد
که برای کامل
شدن برنامه
و برخورداری
آن از روایی
لازم، باید از
متخصصان
امر آموزش
زبان فارسی و
زبان‌شناسان
بهره کافی
گرفته شود

یکی از نقاط مثبت و قابل توجه برنامه درسی ملی افزایش ساعات درسی زبان و ادبیات فارسی است

یکسان در نظر گرفتن آموزش زبان فارسی به عنوان زبان اول و نیز زبان دوم برای مناطقی که چندان در معرض این زبان نبوده‌اند، قدری نامناسب به نظر می‌رسد

مهارت خواندن و نوشتن بعد از مهارت‌های گوش دادن و صحبت کردن ذکر شود. همچنین، مهارت «گوش دادن» به «شنیدن» تبدیل شده که از نظر علم زبان‌شناسی نادرست است؛ چراکه شنیدن امری غیرارادی و گوش دادن امری ارادی و اکتسابی است. همچنین مهارت‌های گوش دادن و صحبت کردن برای دانش‌آموزان یک زبانه فارسی تقریباً مسئله‌ای حل شده است و در دوره ابتدایی تقویت آنها باید مدنظر قرار گیرد اما برای مناطق دوزبانه و چند زبانه، آموزش هر چهار مهارت به ترتیب مراحل یادگیری ضروری است و عدم توجه به آن به یادگیری زبان فارسی آسیب می‌رساند.

در مورد اهداف تفصیلی دوره اول متوسطه هم باید اذعان داشت که عدم تفکیک «زبان» و «ادبیات» مشکل‌ساز خواهد بود. هر چند زبان و ادبیات مرز مشخص و قابل تفکیکی ندارد اما ضروری است به این دو مهم به‌طور مجزا پرداخته شود و در عین حال، ارتباط آنها به‌قدر کافی مورد توجه قرار گیرد.

در دوره دوم متوسطه نیز وضع بر همین منوال است و حتی «فرهنگ» نیز به زبان و ادبیات اضافه شده است. همگان واقفیم که زبان، ادبیات و فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند اما توجه به هر یک به‌طور مجزا در عین حفظ ارتباط میان آنها از موارد ضروری است.

موارد بالا از مسائلی است که در بازنگری برنامه درسی باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان به صورت مؤثرتری به مبحث آموزش زبان فارسی پرداخت.

میانگین سالانه توزیع زمان رسمی تربیتی در این برنامه به ترتیب پایه برای درس زبان و ادبیات فارسی به شرح زیر است: اول تا سوم ابتدایی: ۲۴۳ ساعت که نسبت به وضع موجود ۱۲ ساعت افزایش یافته و ۳۶ درصد از کل زمان آموزشی را به خود اختصاص داده است.

چهارم تا ششم ابتدایی: ۱۹۸ ساعت که نسبت به وضع موجود ۲ ساعت افزوده دارد و ۲۶ درصد از کل ساعت درسی را به خود اختصاص داده است.

پایه‌های اول دوره متوسطه (هفتم تا نهم): ۱۴۸ ساعت که نسبت به وضعیت فعلی ۸ ساعت افزایش داشته است و ۱۵ درصد از کل ساعات آموزشی را دربردارد.

پایه‌های دوم دوره متوسطه (دهم تا دوازدهم):

رشته ادبیات و علوم انسانی: ۲۱۵ ساعت با افزایش ۱۴ ساعتی نسبت به وضع فعلی و اختصاص ۱۹/۱ درصد به خود

رشته علوم تجربی: ۱۱۰ ساعت با کاهش ده درصدی نسبت به وضع موجود و اختصاص ۹/۸ درصد کل ساعت به خود

رشته علوم ریاضی: ۱۲۰ ساعت آموزشی بدون تغییر نسبت به وضع موجود با اختصاص ۱۰/۷ درصد از کل ساعات به خود

رشته علوم و معارف اسلامی: ۱۵۹ ساعت بدون تغییر نسبت به قبل و اختصاص ۱۴/۱ درصد ساعت آموزشی به خود

فنی و حرفه‌ای: ۹۱ ساعت با افزایش ۶ ساعته نسبت به وضع کنونی و تخصیص ۷/۲ ساعت آموزشی (نمودار ۱، ۲، ۳ و ۴)

یکی از نقاط مثبت و قابل توجه برنامه درسی ملی افزایش ساعات درسی زبان و ادبیات فارسی است. البته همان‌طور که در بالا ذکر شد، مشخص نیست که زبان فارسی به تنهایی - فارغ از ادبیات - چند ساعت از زمان آموزشی را به خود اختصاص می‌دهد و این مسئله ممکن است طوری به اجرا برسد که زبان فارسی تحت الشعاع ادبیات فارسی قرار گیرد و به زبان توجه کافی نشود. این مسئله ممکن است در دوره ابتدایی چندان بفرج نباشد؛ زیرا در این دوره به‌طور طبیعی به‌خصوص در پایه‌های پایین‌تر تکیه بر زبان فارسی است تا ادبیات آن، اما با

بالا رفتن پایه‌های این مسئله نمود بیشتری پیدا می‌کند. در دوره دوم متوسطه نیز تفاوت درصد رشته ریاضی و تجربی (اختلاف ۰/۹ درصدی و ۱۰ ساعت) توجیه‌پذیر نیست. این اختلاف در مدارس فنی و حرفه‌ای مشهودتر است و در مقایسه با هر یک از رشته‌های چهارگانه متوسطه به شدت خودنمایی می‌کند. در مقایسه با رشته علوم انسانی (نسبت ۲۱۵ به ۹۱ ساعت) اختلاف یاد شده چشم‌گیر به‌نظر می‌رسد و حتی در مقایسه با رشته تجربی که کمترین ساعات را در دوره متوسطه دارد نیز بسیار فاحش است (۱۹ ساعت اختلاف).

به‌رغم افزایش یا ثبات ساعات درسی که از مزیت‌های این برنامه به‌شمار می‌آید، به‌نظر می‌رسد که اختلاف‌های ذکر شده در بالا باید به حداقل برسد تا اهمیت آموزش زبان فارسی از منظر ساعات آموزشی نیز در رشته‌های مختلف تحصیلی نمایانده شود.

در این برنامه، هیچ اشاره‌ای به زبان فارسی به عنوان زبان خارجی نشده است که البته قدری طبیعی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا این برنامه برای دانش‌آموزان ایرانی نوشته شده است و شاید بتوان ادعا کرد که آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی در حیطه وظایف وزارت آموزش و پرورش نیست. البته با توجه به اهمیت و سرنوشت‌ساز بودن این برنامه پیشنهاد می‌شود که این مهم نیز مورد توجه کافی قرار گیرد.

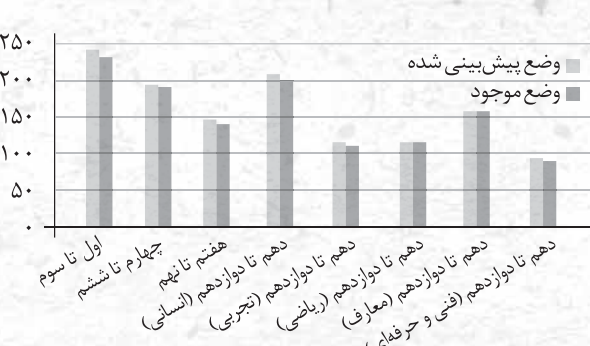
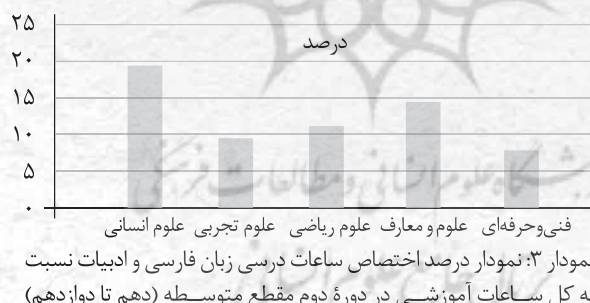
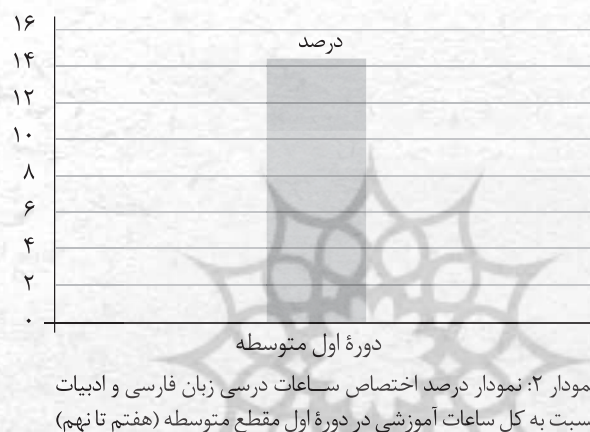
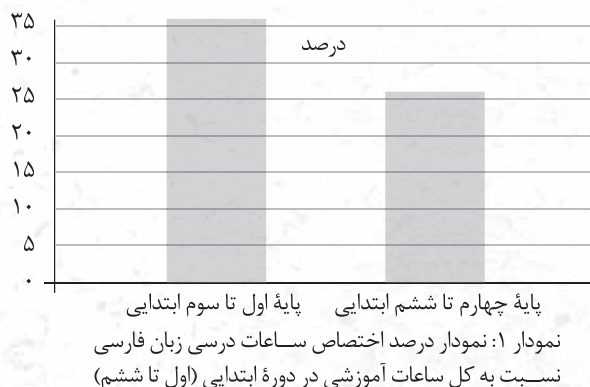
۳. نتیجه‌گیری

به‌رغم اینکه در برنامه درسی ملی به آموزش زبان فارسی در کلیه پایه‌های تحصیلی توجه بسیاری معطوف شده اما در مورد مناطق یک زبانه و دوزبانه که زبان فارسی زبان دوم آنها به حساب می‌آید، تفکیکی صورت نگرفته است که این خود می‌تواند به بروز مشکلاتی در آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان مناطق دوزبانه منجر گردد. یکسان در نظر گرفتن آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان اول و نیز زبان دوم برای مناطقی که چندان در معرض این زبان نبوده‌اند، قدری نامناسب به‌نظر می‌رسد. علاوه بر این، تناسب ساعات درسی اختصاص یافته به زبان فارسی نیز باید مدنظر قرار گیرد و از اختلاط آن با ادبیات زبان فارسی جلوگیری

شود. همچنین به نظر می‌رسد که برای کامل شدن برنامه و برخورداری آن از روایی لازم، باید از متخصصان امر آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسان بهره‌ای کافی گرفته شود. نیز با توجه به ملی بودن این برنامه به نظر می‌رسد که بخشی از آن باید به آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی اختصاص یابد. این امر تأثیر بسیاری بر اشاعه زبان و فرهنگ فارسی خواهد گذاشت.

منابع

- گزارش کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و جدول زمانی، علی‌اصغر احمدی و همکاران، دبیرخانه طرح برنامه درسی ملی، ۱۳۸۷.
- اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای عالی، ۱۳۷۹.
- برنامه پنجم توسعه وزارت آموزش و پرورش، مرکز برنامه‌ریزی، نظارت راهبردی و تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش، ویرایش پنجم، ۱۳۸۸.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، طرح تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بهمن ۱۳۸۹.
- چکیده مطالعات جدول ساعات برنامه درسی، کمیته محتوای آموزشی و پرورشی و حوزه‌های یادگیری برنامه درسی ملی، دبیرخانه طرح برنامه درسی ملی، ۱۳۷۸.
- نیازسنجی و ساماندهی انتظارات وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها از برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش عمومی و متوسطه نظری، صادق ترنجی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۸۶.
- سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی در افق چشم‌انداز، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.
- رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (ویرایش سوم)، علیرضا صادقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷.
- سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران، علی‌اصغر کاکوجوباری و دیگران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲.
- نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز ۲۰۰۱، عبدالعظیم کریمی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳.
- متناسب‌سازی ساعات کار هفتگی مدارس دوره عمومی، دفتر آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی، معاونت آموزش و پرورش عمومی، ۱۳۸۷.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۷.
- درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، یحیی مدرسی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.



نمودار ۴: نمودار مقایسه‌ای وضع موجود ساعات درسی زبان و ادبیات فارسی با وضع پیش‌بینی شده در برنامه درسی ملی

تولید برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس میانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملی و بهره‌برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، صورت گرفته است. فلذا در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه پویای ایران اسلامی، الگوی تازه‌ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد.